

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید
۱۹ جولای ۲۰۱۷

اپوزیسیون آره، اما نه هر اپوزیسیونی!

خبر سفر محمد محقق و عطا محمد نور، به دنبال عبدالرشید دوستم به ترکیه، و تشکیل " شورای عالی ائتلاف برای نجات افغانستان" ظاهراً به این دلیل که بحران کنونی کشور برای شان قابل تحمل نیست، در صورتی که این سه شخصیت سیاسی کشور مردمانی می بودند که این ائتلاف را حقیقتاً برای نجات کشور از بحران و به مثابه انسان های خوش نام، خوش رفتار، دارای سابقه نیکو، مبرا از فساد و سائر جرائمی نهایتاً سنگین به وجود می آوردند، مسأله ای نبود که مورد تأمل و انتقاد نگارنده قرار گیرد.

وجود اپوزیسیون در کشوری با نظام دموکراتیک و پارلمانی و دارای قانون اساسی مترقی و پیشرفته، نه این که بد نیست مسأله ای است بسیار بانشسته و ضروری؛ منتها باید متضمن حداقل دو شرط باشد:

یک - کسانی که اصناف و گروه ها و احزاب و ائتلاف های مخالف دولت را به وجود می آورند، باید این هسته ها را واقعاً برای نجات کشور، یا دست کم برای جهت دادن دولت به سوی کار مثمر، احترام به قانون، اجرای عدالت، تمکین در برابر حقوق و آزادی های حق مردم و حفظ امنیت جان و مال آن ها و حفاظت از خاک... به وجود آورده باشند.

دو - هدف شان از به وجود آوردن هسته های سیاسی آن نباشد که حکومت را تحت فشار قرار بدهند و وادار بدان بسازند که به خواسته های غیرمشروع فردی و گروهی آن ها تمکین کند و زمینه استفاده جوئی های رنگارنگ آن ها را از طریق نهاد های دولتی فراهم نماید. این هسته ها باید جزء مکمل نظام های دموکراتیک و پارلمانی باشند و اختلاف شان با حکومت باید جنبه شخصی و سمتی و قومی ... و غیره نداشته باشد، بلکه در جهت مطالبات حقوق - قانونی همگانی و مصلحت های سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - فرهنگی کشور و تحقق آرمان های والای ملت هدایت شود.

کسانی که با سیاست و شیوه حکومت داری در جوامع غربی آشنا هستند، جایی که حکومت ها پارلمانی هستند یا پارلمان ها در رأس همه امور قرار دارند و قوانین جاریه کشور را وضع و تدوین می کنند، به خوبی می دانند که وجود اپوزیسیون در تجسم جبهه ها، ائتلاف ها، احزاب، اتحادیه ها، اصناف، سازمان ها و گروه های سیاسی در برابر حکومت یکی از ضروریات اساسی برای نظارت در کار حکومت و جلوگیری از خود سری ها از راه انتقاد یا ارائه برنامه های عملی و سازنده به حکومت می باشد.

در نظام های مطلق گرا و تک فردی، جایی که یک انسان هر آن چه را که در ذهن خودش خوشایند بود یا خود آن را شائسته و لازم دید به منصهٔ اجراء در آورد کار جامعه نه مطابق قانون تنظیم می گردد و نه به سوی بهبودی زندگی عامهٔ مردم و ترقی و توسعهٔ کشور پیش می رود. در چنین جامعه ای تنها یک شخص یا یک فامیل، یا یک دسته از انسان هائی که به این شخص یا فامیل به نحوی وابسته هستند و بدان ها وفادار می باشند و از این شخص یا فامیل حمایت می کنند و حرف می شنوند از همهٔ امکانات بهره می برند، دارائی های عامه را حیف و میل می کنند و زندگی را در عیش و نوش و اندوختن سرمایه سپری می کنند و مردم را کماکان در نکبت و بدبختی نگه می دارند.

قانون، یعنی کلام شاه یا حاکم و امیر یا رئیس جمهور مطلق العنان و مستبد در نظام های تک حزبی و تک فردی، تنها برای "رعایا"ی بخت برگشته به وجود می آیند. در چنین جوامعی نه پویائی وجود دارد و نه اصلاح و رفاه و ترقی و پیشرفت؛ و نه اصل تفکیک قواء و نظارت قانونی بر کارکرد های حکومت و نه امنیت و عدالت و آرامش و اطمینان. هر چه هست میل و عشق حاکمان جبار و تکرو هست و تعقیب و شکنجه و زنجیر و زندان و برچه و چوبه دار.

ائتلاف دوستم و محقق و نور، طوری که تجربهٔ کمابیش چهار دههٔ گذشته نشان داده است، و آن گونه که ما از این انسان ها و انسان های هم رأی و هم فکر این ها شناخت داریم، ائتلافی نیست که کسانی برای رسیدن به اهداف والا و انسانی و ملی و نظر به مسؤولیتی که در برابر مردم، در برابر خاک و در برابر یک نظام کارآ و سالم و مردمی و برای رفع مشکل و بحران در کشور و خطر های ناشی از تلاش های دشمنان میهن باید احساس کنند، به وجود آمده باشد. این ائتلاف برای آن صورت نگرفته است که مردم را متحد کنند و یک افغانستان مقتدر و واحد و رها از خطر و فساد، افغانستان امن و آزاد و مستقل و آباد و دارای عزت نفس به وجود بیاورند، بلکه با آن که هر جزئی از آن جزئی از نظام موجود است به دلیل حرص و آز سیری ناپذیر شان و به سبب این که بیشتر از این نمی توانند برای چپاول و غارت سرمایه های ملی دست آزاد داشته باشند و آن گونه که می خواهند از یاران و هم پیمانان گروهی و حزبی خود در درون و بیرون حکومت حمایت نمایند، به وجود آمده است. بنابراین هسته هائی که با چنین مقاصدی به وجود می آیند هسته های تداوم فساد و تشنهٔ قدرت و پول هستند که در هر برهه ای از زمان، چنانچه در ائتلاف دوستم - مسعود، ائتلاف های گلبدین با تنی و دوستم و مجددی و بعداً مسعود - ربانی و ائتلاف طالب - جنرال مالک و طالب - حزب وحدت... و از هم پاشیدن آن ها شاهد بودیم و شاهد هستیم، گاهی با این و گاهی با آن به وجود می آیند و همین که ریگی زیر دندان شان آمد از بین می روند و دوستان دیروز به دشمنان امروز و بالعکس تبدیل می شوند.

اجزای این هسته ها به حکم تاریخ اصلاً قابل اعتماد نیستند و اصلاً جز به خود و یاران خود، به هیچ انسان دیگری فکر نمی کنند؛ و نه به فکر خاک و وطن هستند. تا وقتی که دست شان رسید می چابند و همین که از جهتی احساس خطر کردند پا به فرار می گذارند و کشور را ترک می کنند و به دامن حامیان شان پناه می برند، مانند طالب که با آمدن نیرو های امریکائی به پاکستان گریخت و دوستم که اینک در ترکیه به سر می برد، چنان که با آمدن طالب همراه جنرال مالک به مزار، فرار را بر قرار ترجیح داده راهی ترکیه شد.

۲۰۱۷/۰۷/۱۹